

بررسی تأثیر مؤلفه‌های مکانی بر تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری (موردپژوهی: منطقه ثامن شهر مشهد)

فرزانه مدنی^۱، افسون مهدوی^{۲*}، مجتبی رفیعیان^۳، فاطمه محمدنیای قرایی^۴

- ۱- گروه شهرسازی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
- ۲- گروه شهرسازی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
- ۳- گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۴- گروه شهرسازی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۶

چکیده

شهرسازی معنویت‌مبنا، بعنوان یک پارادایم جدید در برنامه‌ریزی شهری در حال ساختار سازی است. این امر سراغاز نگاه انتقادی در راستای کاهش قدرت اقتصاد سیاسی در جریان تولید فضای شهری است، که سعی در تعادل بخشی بین تولید مادی و معنوی فضا در راستای بهبود رفتار شهروندی، خلق ارزش و نیل به پایداری توسعه دارد. به واقع مساله پیش رو، رواج جریان شخصی سازی و سرمایه‌ای شدن ناشی از تسلط مدل سوداگری است برای رفع این چالش‌ها ساختار سازی و خوانش عوامل موثر در تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری، با هدف کاهش آسیب‌های برنامه‌ریزی ضروری به نظر می‌رسد. روش انجام پژوهش بصورت امیخته اکتشافی از نوع تدوین طبقه بندی است. جامعه آماری در بخش کیفی از طریق نمونه‌گیری معیار محور، مبتنی بر دو مفهوم نمونه‌گیری نظری و اشباع نظری شامل خبرگان (۲۱ مصاحبه فردی و ۲ مصاحبه گروهی) و در بخش کمی مبتنی بر فرمول کوکران ۳۸۴ پرسشنامه به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. پژوهش در بخش کیفی ابتدا با فرامطالعه عمیق اسناد

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین ملاحظات معطوف به مدل نظری تأثیرگذاری معنویت در فرایند تولید فضای شهر مشهد با تأکید بر دیدگاه خوانش مخاطب» است که به راهنمایی دکتر افسون مهدوی، دکتر مجتبی رفیعیان و مشاوره دکتر فاطمه محمدنیای قرایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان انجام شده است.

E-mail: afsoon_mahdavi@iauk.ac.ir

*نویسنده مسئول



موجود و سپس مصاحبه با خبرگان اقدام به شناسایی شاخص‌های موثر بر تولید فضای معنویت مبنا در مقیاس شهری از روش نظریه زمینه‌ای نمود. خروجی این مرحله شناسایی ۲۳ شاخص در قالب ۸ بعد اصلی و زیر بعد بود. در گام دوم به جهت برقراری ارتباط و توالی بین ابعاد بدست آمده و ارائه مدل از روش مدل‌سازی ساختاری استفاده گردید که بر اساس نظرات خبرگان و تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، مدل تولید فضای معنویت مبنا احصا گردید. نتایج نشانگر این است که اولویت اثرگذاری در تولید فضای معنویت مبنا به ترتیب مربوط به مولفه پایداری، مولفه ساختار مدیریتی، مولفه عدالت، نمادگرایی، چیدمان فضا، نقش انگیزی، امنیت و مولفه بازدارندگی اقدام عملی / معاصر سازی دانش نظری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تولید فضای شهری، شهرسازی معنویت مبنا، معادلات ساختاری، کلانشهر مشهد، منطقه ثامن

۱- مقدمه

از دهه ۱۹۲۰، که مطالعات آمایش برای پژوهش‌های منطقه‌ای در نظر گرفته شده، تا به امروز، تغییرات متعددی در سبک و شیوه به‌کارگیری آن رخ داده است. امروزه مطالعات آمایش مقیاس‌های مختلفی، از سطح بین‌المللی و ملی تا سطح خرد و یک محله شهری، را دربر می‌گیرد (امیرفخریان، و بازرگان، ۱۳۹۸). در این زمینه، به موضوع آمایش در مطالعات برنامه‌ریزی شهری طی سال‌های اخیر بیشتر توجه شده است. برنامه اسکان سازمان ملل، برنامه‌ریزی شهری و آمایشی را فرایند تصمیم‌گیری با هدف دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی از طریق توسعه دیدگاه‌های فضایی و مشارکتی تعریف کرده است (United Nations Human Settlements Programme, 2015: 2; UN-Habitat, 2018: 10). رویکرد غالب در مطالعات اخیر با هدف ارتقای پایداری و انسجام فضایی در فرایند تولید و بازتولید فضای شهری است. این رویکرد از آمایش ابعاد متعددی، از جمله پایداری به‌لحاظ اجتماعی فرهنگی در کنار پیوسته‌های زیست‌محیطی و توسعه کالبدی (Liepaja municipality administration, 2019)، دارد. در واقع، یکی از موضوعات تأثیرگذار در آینده شهرها و پایداری توسعه در کنار مباحث اقتصادی و مدیریتی، بحث توجه به «توسعه معنویت» در برنامه‌ریزی شهری است. در حال حاضر تولید فضای شهرها بیش از هرچیز، پرورش یافته اقتصاد سیاسی زمان و مکان خود است (جودی و همکاران، ۱۳۹۹). معنویت، به‌عنوان فاکتوری مهم در تعادل بخشی به فضای شهری معاصر، تابعی از ارزش‌های اجتماعی، دموکراسی و اقتصاد شهری

پایدار است (Heidari & Tojar Ghalavand, 2014: 722-723). هر محیط شهری‌ای در فرایند تولید و بازتولید فضایی و در گذار به شخصیت مکانی خویش، باید ریشه‌های هویتی و ساختارهای ارزشی زمینه‌مبنای خود را در زمان تداوم بخشد (Carmona, 2015: 373). معنا و آینده شهرها یکی از مسائل چالش‌برانگیز زمان ماست. ضعف معنا برای مخاطبان فضا باعث شده فضاهایی شکل بگیرند که از نظر زیست‌محیطی و اجتماعی پاسخگو نیستند (Birch & Sinclair, 2013: 81). لذا آنچه امروزه ورود نگاه آمیشی را در حوزه پیوست‌های هویتی و فرهنگی در مقیاس برنامه‌ریزی و توسعه معنویت‌مبنا ایجاب کرده، سهم عمده آن در تعادل‌بخشی به حوزه تولید و بازتولید فضای شهری معاصر است.

«شهرسازی معنویت‌مبنا»^۱ (Bermudez, 2016: 111) و ویژگی‌های آن، چون پایداری از نظر اقتصادی، زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، و اهمیت روابط متقابل سازنده با خود و دیگر شهروندان (Sheldrake, 2015: 138-139) در پژوهش‌های دهه اخیر از سوی مراکز دانشگاهی معتبر، نظیر هاروارد، به‌عنوان پارادایمی میان‌رشته‌ای مطرح (Ardalan & Barrie, 2016a) و توسط جریان قدرتمند در نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و انتقادی وارد شهرسازی شده و در حال ساختارسازی برای تسلط بر مباحثات میان‌رشته‌ای دانشگاهی است؛ لذا یکی از تأثیرگذارترین موضوعات برنامه‌ریزی شهری معاصر در کنار مباحث اقتصادی و معماری «توسعه معنویت»^۲ در مقیاس برنامه‌ریزی شهری است (Sheldrake, 2006: 107). از آنجا که برخی اساساً برنامه‌ریزی را عمل دانش‌افزایی می‌دانند^۳ (Davoudi, 2015)، آن را تغییر جهت مهمی برای کاستن شکاف بین نظر و عمل شهرسازی از طریق تولید معرفت علمی تلقی می‌کنند که نقش یک چهارچوب هنجاری طراحانه (Brand & Gaffikin, 2007) برای توصیف و هدایت پرکتیس اجتماعی در مقیاس شهری را داراست. نابرابری اجتماعی، قطبی شدن، فقر اخلاقی و شیوع بالای بیماری‌های روانی، فقط بخشی از نموده‌های بی‌توجهی به مسئله معنویت در تولید فضای شهر است (Bermudez, 2016: 105-108). در مداخلات شهری معاصر ایران، بازتولید فضا مبتنی بر نوعی انقطاع تاریخی است و در این دگردیسی، فرمی از فضای شهری بازتولید شد که در تقابل آشکار با زمینه‌های هویتی و تجربه زیسته مخاطبان فضا است (حاجی‌زاده و احدنژاد، ۱۴۰۰) که منجر به تنزل تولید فضا به وجه کمی و مادی آن شد. این درحالی است که مفهوم توسعه معنویت‌مبنا در مقیاس شهری، دارای پیشینه و جایگاهی ویژه در ساختاریابی فضایی برخی از

1. spiritual urbanism

2. spiritual development

3. planning as a practice of knowing

شهرهای گذشته ایرانی بوده است و فضاهای معنوی همواره یکی از پیچیده‌ترین طراحی‌های معماری و شهری در ایران بوده‌اند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ ایمانی خوشخو و شهرابی فرهانی، ۱۳۹۷؛ شفیع‌ا و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش‌های مختلفی در این زمینه در حال انجام است، اما این پژوهش‌ها به دلیل تعدد و تکرر رویکردها، خوانش‌های روش‌شناختی و نتایج، در حل مسئله چندان موفق نیستند و گاهی با تناقض‌های بسیاری آمیخته‌اند. بنابراین بهره‌گیری از روش پژوهش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام‌شده در موضوعی خاص را به گونه‌ای نظام‌دار و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهند، گسترش روزافزون یافته است. این نوع پژوهش‌ها، نتایج تحقیقات گذشته را به شکلی به یکدیگر مربوط می‌کنند که ضمن روشن کردن وضعیت فعلی دانش در عرصه‌ای خاص، بی‌اعتمادی‌ها را رفع و عرصه‌هایی را که به تحقیق بیشتری نیاز دارند، مشخص و به توسعه نظریه کمک می‌کنند (داداش‌پور و الوندی‌پور، ۱۳۹۵: ۶۸). از این رو هدف مقاله حاضر بازخوانی و اولویت‌بندی شاخص‌های مرتبط با پارادایم توسعه معنویت در تولید فضای شهری، به‌ویژه در شهرهای با پشتوانه هویتی خاص چون مشهد، است که با توجه به خوانشی بر انطباق‌پذیری زمینه‌ای، مابین علل تولید و بازتولید فضا در مشهد؛ نچه امروزه در این شهر قدرت گرفته، حداکثر استفاده از فضا مبتنی بر منطق انباشت سرمایه و کالایی شدن صرف فضا است که در تعارض جدی با چشم‌انداز مطرح برای این شهر (مشهد، پایتخت فرهنگی جهان اسلام) و علل ماهوی ایجاد آن است. یکی از غامض‌ترین نمونه‌های این تعارض، طرح‌های بازسازی و نوسازی منطقه مرکزی و حوزه ثامن به‌عنوان بافت پیرامون حرم مطهر است؛ به‌ویژه در فضاهای شاخص منتهی به حرم که دارای پیشینه و سابقه تاریخی هستند؛ نظیر محورهای شیرازی، امام رضا، طبرسی و راسته‌های عرفی بافت محلات، مثل نوغان. از آنجا که زمینه‌ها بیانگر هویت پویای شهر و بازشناخت شاخص‌های زمینه مبنای گامی مهم در راستای خلق ارزش و پایداری توسعه است (مولایی و بهزادفر، ۱۳۹۸: ۱۱۴)، واکاوی تأثیر مؤلفه‌های مکانی توسعه معنوی در مقیاس برنامه‌ریزی شهری نیازمند کاربرد روش‌های آمیخته خواهد بود که در آن مؤلفه‌های مکانی شهرسازی معنویت‌مبنا شناسایی و در گام بعد، به حوزه سنجش و ارزیابی تأثیر این مؤلفه‌ها پرداخته خواهد شد. از همین رو پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضای معنویت‌مبنا از دیدگاه خوانش مخاطب چه کدهایی هستند؟ و تأثیر این مؤلفه‌های مکانی در تولید فضای منطقه ثامن شهر مشهد به چه صورت است؟ لذا مقاله پیش‌رو از نوع ترکیبی و مبتنی بر راهبرد نظریه زمینه‌ای و مدل‌سازی معادلات ساختاری است.

۲- مبانی نظری و الگوی مفهومی

در چند سال اخیر با تأسیس فوروم «معماری، فرهنگ و معنویت»^۱ در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۷ و برگزاری کنفرانسی با عنوان شهرسازی، معنویت و سلامت^۲ در سال ۲۰۱۳، توجه شهرسازان و معماران به این موضوع بیشتر شده است. اندیشمندانی نظیر فیلیپ شلدراک^۳ با تدوین کتاب‌های مرور کوتاهی بر تاریخ معنویت^۴ در سال ۲۰۰۷ و شهر معنویت‌گرا: الهیات، معنویت و شهر^۵ در سال ۲۰۱۴، توماس بری^۶ و همکاران با تألیف کتاب معماری، فرهنگ و معنویت در سال ۲۰۱۵، برمودز^۷ با تألیف مقاله‌ای با عنوان شهرسازی معنویت‌گرا^۸ در سال ۲۰۱۶، نادر اردلان^۹ با تألیف مقاله‌ای با عنوان ابعاد متعالی شهرها^{۱۰} در سال ۲۰۱۶، و سید حسین نصر با تدوین فصل هفدهم کتاب معماری، فرهنگ و معنویت با عنوان «نگاه درون‌گرا: معنویت در هنر و معماری»^{۱۱} در سال ۲۰۱۵ به خلق مهم‌ترین پژوهش‌های دهه‌های اخیر در زمینه شهرسازی و معماری پرداخته‌اند. این امر سرآغاز نگاه انتقادی به دانش معاصر برای کاهش قدرت اقتصاد سیاسی در جریان تولید فضای شهری است که سعی دارد بین تولید مادی و معنوی فضا (Beaumont & Baker, 2011: 56-57) به‌منظور بهبود کیفی فضای شهر تعادل ایجاد کند. بنا بر گفته صاحب‌نظران برنامه‌ریزی، نظیر پراکسمن، لدی بیسلی و ناتان ادلسون، ابعادی نظیر تولید فضا و محلات شهری مبتنی بر ارزش‌های مدنی، مکان‌سازی با اهمیت عشق و توسعه سلامت عمومی و رفاه اجتماعی، از ابعاد اصلی آن خواهد بود (Ibid, 94).

معنویت از ریشه لاتین spirituality مفهومی وسیع‌تر از مذهب دارد و در وهله نخست، روندی پویا، شخصی و تجربی است که درک آن به «تجربه زیسته»ی افراد بستگی دارد (وارگیس و وارگیس، ۲۰۱۲)، به نقل از شفیع و صباغ‌پور آذریان، (۱۳۹۵). معنویت شهری نیاز به برقراری ارتباط و تعامل سازنده (Ersahin & Boz Nevfel, 2018) دارد و مفهوم‌سازی معنویت در گرو شناخت ابعاد آن، شامل تلاش برای خلق معنا و هدف (meaning and purpose) / تفوق و برتری (انسان بودن فراتر از وجوه مادی است) / اتصال (connectedness): اتصال به دیگران، طبیعت یا الوهیت و ارزش‌ها (عشق، دلسوزی و عدالت)، است (ایمانی خوشخو و شهرایی فرهنگی، ۱۳۹۷؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ شفیع و

-
1. Architecture, Culture, and Spirituality Forum (ACSF)
 2. Urbanism, Spirituality and Wellbeing
 3. Philip Sheldrake
 4. A Brief History of Spirituality
 5. The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban
 6. Thomas Barrie
 7. Julio Bermudez
 8. Spiritual urbanism
 9. Nader Ardalan
 10. The transcendent Dimension of Cities
 11. From Within: On the Spiritual in Art and Architecture



درودیان، ۱۳۹۶) که شایسته‌سازی و مشروط کردن تولید فضا به حرمت احترام و تکریم است (Bermudez, 2016; Sheldrake, 2015; Cirstea, 2015; Ersahin Boz, 2018).

جدول ۱. ابعاد و معیارهای توسعه معنویت‌مبنا در مقیاس شهری

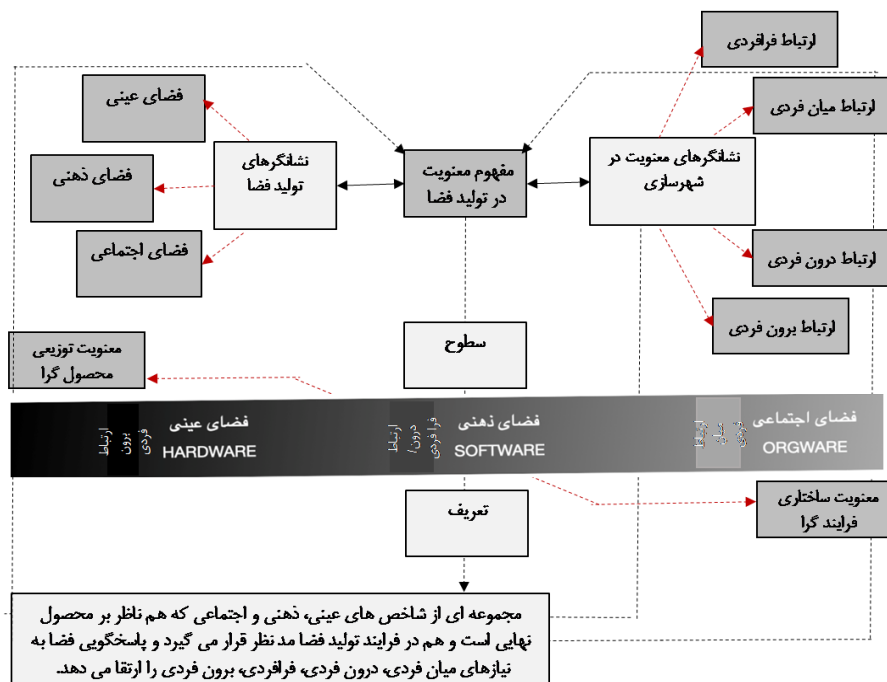
منابع	مفاهیم ساختاری و تعاریف عملیاتی توسعه شهری معنویت‌مبنا	نظر به‌پردازان
نصر، سید حسین، ۱۳۸۹	تعریف معنویت از علم نیز دشوارتر است. تلقی فضای معنوی معادل فضای قدسی با خصوصیتی چون نقش طبیعت و گسترش آن در محیط روزمره، رموزارگرای، امتداد معماری فضایی مسجد (محوربندی فضایی) به تمامی الگوها و فرم‌های شهری، تقدس‌بخشی به فضا، حضور فضای تهی و خلأ، نور و رنگ، و واقع‌گرایی وحدت و یکپارچگی اشاره می‌کند.	اندیشمندان شهری
صحاف، سید محمد خسرو، ۱۳۹۵	فعالیت‌هایی که جنبه آیینی زندگی در معماری ایرانی تلقی می‌شود (رفتارهای معمول زندگی که در فرهنگ ایرانی به آیین‌هایی چون نحوه ورود به فضا، نشستن و مکث در فضا، مهمان‌نوازی و...) دلالت دارد و نیز پیوستگی درون و برون و هماهنگی شکل و محتوا در ساختار فضا، رموزار و نمادپردازی و فضای تهی از عناصر اصلی فضای معنوی هستند.	
نادی، ۱۳۹۰، به نقل از شفیعا و صباغ‌پور آذرین، ۱۳۹۵	ارزش‌های اخلاقی جزء لاینفک معنویت است و یکی از آثار مهم معنویت خلق ارزش است؛ ارزش‌هایی چون نوع‌دوستی، مهمان‌نوازی، اخلاق زیست‌محیطی، سلامت شهری و...	
شفیعا و صباغ‌پور آذرین، ۱۳۹۵	ابعاد اصلی مفهوم معنویت در گردشگری شهری شامل رسیدن به تعالی، معنا و درک متقابل است که می‌توان آن را مترادف با ارتباط فرافردی، درون‌فردی، میان‌فردی و بین‌فردی در نظر گرفت. معنویت گسترده‌تر و جامع‌تر از مذهب و دین است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات کیفی و کمی حول محور ساختارسازی مدل مفهومی ادراک معنویت در تجربه فضا صورت گیرد.	
اردلان، ۱۳۷۴: ۱۹، به نقل از صحاف، ۱۳۹۵	نقش نظام معنوی حاکم بر زندگی جامعه و رابطه معماری به‌عنوان محصولات جامعه سنتی (در هفت اصل معماری ایرانی: برانگیختن حس عمیق ازلی متعالی معنوی و وحدت کل؛ انطباق محیطی؛ نظام‌های فضایی مثبت (فضای باز ارزش مثبت دارد)؛ مکمل بودن (کیمیای رنگ ماده خط و نقش)؛ مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی؛ نوآوری (کلشی هفت‌رنگ و...))	
اردلان، ۲۰۱۶ ب	توجه به ساختار و ابعاد وجودی انسان، مکان‌سازی با اهمیت عشق شهری و نظم مقدس (محوربندی و جهت‌یابی در فضا، ریشه‌های تاریخی و هسته‌های اولیه قدیمی و هویت‌بخش شهرها)، شبکه هم‌پیوندی فضای معنوی: ارتباطات ساختاری فضایی راه‌های مقدس، اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها، فضای شهری - قلمرو عمومی - باغ بهشت - مقیاس انسانی، جوامع چندفرهنگی منسجم - تاریخ سیاسی خاص و حیات اقتصادی ویژه (هم‌پیوندی ساختارهای اقتصادی فضا و نقش‌های سه‌گانه آن)، نمادگرایی و فرم‌های نمادین	
شفیعا و محمدی، ۱۳۹۶	معنویت بسیار کلی‌تر، جامع‌تر و پوشش‌دهنده دیگر ابعاد مفهومی، مثل مذهب، است. اما دو دیدگاه کارکردی و بنیادین در مورد معنویت وجود دارد که در دیدگاه بنیادین، معنویت نوعی تمایل به یافتن ارزش‌ها و اعمال انسانی است. در رویکرد کارکردی بیشتر به اثرات بیرونی و قابل مشاهده آن اشاره می‌شود؛ به آثار به‌دست‌آمده از معنویت، مثل احساس خوب، خصوصیات مطلوب رفتاری و توجه به محیط‌زیست و جامعه انسانی و احترام به ارزش‌های آن.	

منابع	مفاهیم ساختاری و تعاریف عملیاتی توسعه شهری معنویت‌مبنا	نظر به پردازان
هانری استرلین، ۱۹۹۸، به نقل از صحاف، ۱۳۹۵	اشاره به موضوع فضای معنوی در معماری و حکمت ایرانی و از شهر اصفهان به عنوان بازتاب این نوع تولید فضای معنوی یاد می‌کند. از دید او، فضای معنوی بازتابنده نظام ارزشی فرهنگی و پایه‌های تاریخی است و افزون بر این باید نقش و کارکرد این گونه فضاها در ذهن پدیدآورندگان و ناظر ادراک، نمادها و مظاهر فضایی این نوع ساخت فضایی تفسیر شود.	
واحیدیان و همکاران، ۱۳۹۲، به نقل از شفیعا، ۱۳۹۵	معنویت دو بعد عمودی و افقی دارد؛ بعد عمودی نشانگر ارتباط انسان با معبودش و بعد افقی منعکس‌کننده ارتباطات آدمی با خود، محیط طبیعی، جامعه و انسان‌های دیگر است. در هردو بعد، اتصال آدمی به صورتی کاملاً درونی و عرفانی صورت می‌گیرد و تجربه هر فرد با دیگری متفاوت است.	
عابدی جعفری، رستگار، ۱۳۸۶	معنویت در چهار نوع طبقه‌بندی می‌شود: دینی، غیردینی، فرادینی، رازورزانه. از منظری دیگر، معنویت دربرگیرنده چهار نوع ارتباط است: ارتباط فرافردی، ارتباط درون‌فردی، ارتباط میان‌فردی و ارتباط برون‌فردی، که هریک با ابعاد وجودی انسان شامل زیستی، اجتماعی، روانی و معنوی پیوند می‌خورد و زمینه تعالی او را فراهم می‌کند.	
شاهروندی عباسعلی، حسینی سید حمزه، مؤمنی زهرا، ۱۳۹۳	الگوهای رفتاری و فعالیتی زنان در اعیاد مذهبی. بین متغیرهای فیزیکی فضا با حس معنویت رابطه معناداری وجود دارد که شامل توجه به کالبد فیزیکی، موقعیت قرارگیری، توجه به مسائل روان‌شناختی: دعوت‌کنندگی وردی فضا، نشانه‌گذاری در مسیریابی و تناسب نشانه‌های بصری است. در نظرگیری حریم ها و دیده‌ها. توجه به جزئیات فضا، توجه به بعد اجتماعی: طراحی فضا با توجه به شخصیت اجتماعی گروه مخاطب، اختصاص بخش‌هایی از فضا برای تعاملات اجتماعی، گفت‌وگو در تعامل با نرم فضاها و توجه به پالت رنگی و بو و دیگر جزئیات.	
میتروف و دنتون، ۱۹۹۹، به نقل از شفیعا و صباغ‌پور آذریان، ۱۳۹۵	معنویت به بالاترین مرتبه هرم نیازهای مازلو اشاره دارد؛ جایی که انسان به نیاز اصلی زندگی‌اش که جست‌وجوی معناست، پاسخ می‌دهد. اگر به دنبال کلمه‌ای برای توصیف معنویت باشیم، آن کلمه «ارتباط متقابل» است؛ جایی که انسان به درک ارتباط متقابل خود با خود، دیگران، طبیعت و واقعیت برتر (فراطبیعت) می‌رسد.	اندیشمندان غربی
بیرج و سینکلیر، ۲۰۱۳	انسانیت، حواس، پایداری ابعاد اصلی فضای معنویت‌گرا در توسعه شهری	
یونگ، ۲۰۱۱، به نقل از حیدری و تجار قلاوند، ۲۰۱۴	از دیدگاه نظریات روان‌شناسی، ادراک معنویت فضا به شدت تابعی از نگرش‌های عاطفی، تصورات، بینش‌ها و ادراکات زمینه‌مبناست؛ تجربه‌ای مبتنی بر ادراک عمیق، نوعی احساس و معنای تولید فعالیت و بروز رفتارها.	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

- Birch, R. & Sinclair, B. R.
- Heidari & Tojar Ghalavand

شهرسازی معنویت‌مبنا به «ارتباط متقابل در چهار سطح» اشاره دارد. ادراک معنویت در فضای شهری تابعی از درک ارتباط خود با دیگران و جامعه (ارتباط میان‌فردی)، محیط بیرونی و طبیعت (ارتباط برون‌فردی)، خود (ارتباط درون‌فردی) و واقعیت برتر (ارتباط فرافردی) است که در دو سطح عمده کارکردی (توزیعی) و بنیادین (ساختاری) مطرح می‌شود.

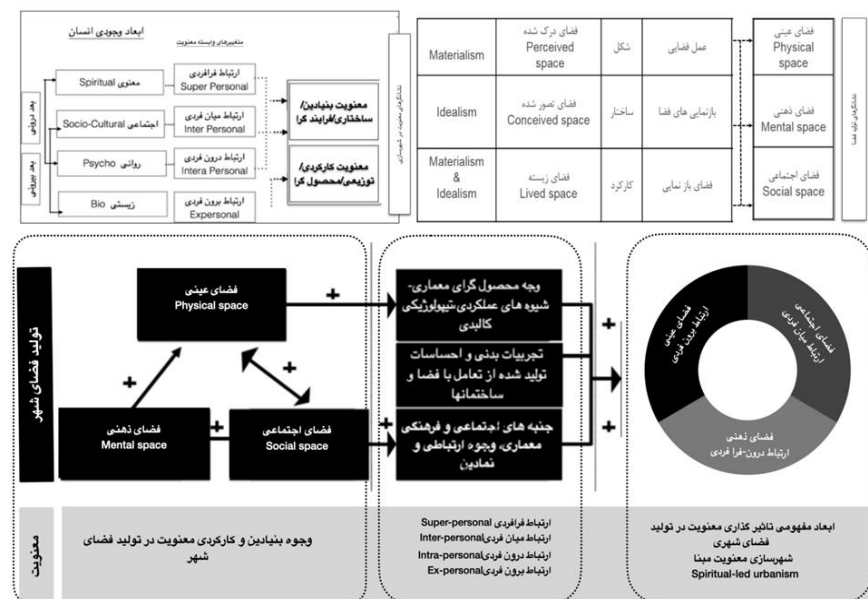


شکل ۱. سطح‌بندی مؤلفه‌های مکانی تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتایج حاکی از آن است که در فرایند تولید فضای شهری دو شکل از معنویت مسلط، شامل دو دیدگاه عمده کارکردی (توزیعی) و بنیادین (ساختاری)، مطرح است. دیدگاه کارکردی (توزیعی) به تظاهرات کالبدی-فضایی - که بیانگر وجه محصول‌گرای معماری، شیوه‌های عملکردی، تیپولوژیکی و کالبدی (Walker, 2019) که از طریق ساختمان‌ها بیان و منجر به تسهیل ادراک معنویت فضا می‌شود - می‌پردازد. در دیدگاه ساختاری (بنیادین) وجه فرایندگرایی توسعه معنویت در تولید فضای شهری بر مبنای خوانش درون‌ذهنی و تعاملی

مخاطب فضا مدنظر است. تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری با بیان سه مقوله فضای عینی، فضای ذهنی و فضای اجتماعی و شاخص‌های متناظر هریک در دو بعد کارکردی و بنیادین، به‌عنوان کاتالیزور در مدل‌های تولید فضا، زمینه ارتقای کیفی مداخلات شهری را فراهم خواهد آورد.



شکل ۲. الگوی مفهومی پژوهش مؤلفه‌های مکانی تأثیرگذار در تولید فضای معنویت‌مبنا

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع ترکیبی و مبتنی بر راهبرد نظریه زمینه‌ای و مدل‌سازی معادلات ساختاری است که در گام اول با استفاده از روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد، ساختار و ابعاد مؤلفه‌های مکانی تشکیل‌دهنده مدل شناسایی و سپس به‌منظور بومی‌سازی و شناسایی سایر عوامل تأثیرگذار بر مدل، در بخش کیفی ۲۳ مصاحبه با خبرگان انجام شده که در آن داشتن دو معیار، تجربه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرا در منطقه ثامن و حداقل سابقه سکونت، حضور یا فعالیت مستمر در بافت این منطقه، در انتخاب مشارکت‌کنندگان اولیه مطرح بوده است. در این پژوهش، در مجموع ۲۱ مصاحبه فردی و ۲ مصاحبه گروهی انجام شد. در گام بعدی برای



برقراری ارتباط و توالی بین ابعاد به‌دست‌آمده و ارائه مدل ساختاری، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد که بر اساس نظرات خبرگان و تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته، جامعه آماری منتخب پهنه منطقه ثامن است. بر این اساس برای هر چهار قطاع و فضاهای دوازده‌گانه ذیل و جمعیت ساکن و شناور هدف در آن مطابق با فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نمونه لازم بود. از سوی دیگر، از آنجا که مطابق با نظر صاحب‌نظران در حوزه معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه برای دستیابی به توان آماری کافی و برآوردهای دقیق معادل ۱۰ تا ۱۵ واحد نمونه به‌ازای هر متغیر پیش‌بین (هومن، ۱۳۸۸) است، ۳۴۵ پرسش‌نامه مابه‌ازای ۲۳ متغیر پیش‌بین نیاز بود که با توجه به حجم نمونه‌های مطرح در شیوه یک و دو نهایتاً همان تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه تدوین شد و در اختیار مخاطبان مطلع و فعالان این حوزه در کل پهنه ۳۰۰ هکتاری منطقه ثامن (نمونه موردی) از هر بخش و قطاع آن قرار گرفت. تکنیک پرسش‌نامه با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای برای جمع‌بندی اطلاعات به‌کار گرفته شد. پرسش‌نامه برای تأیید روایی، ابتدا با نظر خبرگان در چند مرحله مورد تدقیق و بازبینی قرار گرفت و برای اعتبارسنجی، در مرحله پیش‌آزمون در جامعه مخاطبان فعال و مطلع منطقه ثامن به آزمون گذاشته شد و سؤالاتی که پاسخ‌دهی به آن‌ها همراه با ابهام، کژانگاشت یا عدم پاسخ بود، اصلاح و حذف شد و نیز با استفاده از آلفای کرونباخ اعتبار پرسش‌نامه به آزمون گذاشته شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها و کلیت پرسش‌نامه بیشتر از ۰/۷ به‌دست آمد. با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ بالاتر از مقدار استاندارد ۰/۷ است، پرسش‌نامه واجد پایایی درونی قابل قبولی است. مراحل تحلیل الگوسازی معادلات ساختاری در این پژوهش به این صورت انجام شد که از یک سو میزان انطباق داده‌های پژوهش و الگوی مفهومی پژوهش به‌منظور مناسب بودن برازش بررسی و از سوی دیگر، معناداری روابط در الگوی برازش‌یافته آزمون شد. بر این مبنای، از تحلیل عاملی تأییدی و الگوسازی معادله ساختاری برای ارزیابی الگوی پژوهش استفاده گردید.

۴- بحث و یافته‌ها

پس از کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی، در گام نخست ۱۰۱۴ کد اولیه شناسایی شده است. در مرحله دوم با پالایش مفاهیم اولیه تعداد این مفاهیم به ۲۵۱ کد یا مفهوم سطح نخست تقلیل یافته که از این میان، با بازبینی نهایی مفاهیم اولیه و حذف مفاهیم غیرمرتبط و ادغام مفاهیم مشابه، ۵۳ مفهوم سطح نخست به‌دست آمده است. در ادامه روند تحلیل پژوهش، این مفاهیم در قالب ۸ مفهوم سطح سوم و ۲۳ مفهوم سطح دوم دسته‌بندی

شدند. به‌منظور ارزیابی نهایی، به اولویت‌بندی، تعیین وزن و میزان اهمیت مؤلفه‌های تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقهٔ ثامن و روابط ساختاری مابین آن‌ها پرداخته شد. این مؤلفه‌های مکانی (قابلیت‌های تولید فضا) با چه روابط و ضریب اهمیتی بر تولید فضای معنویت‌مبنا تأثیرگذارند؟ مراحل تحلیل الگوسازی معادلات ساختاری در این پژوهش به این صورت انجام شد که از یک سو میزان انطباق داده‌های پژوهش و الگوی مفهومی پژوهش به‌منظور مناسب بودن برازش بررسی و از سوی دیگر معناداری روابط در الگوی برازش‌یافته، آزمون شد. بر این مبنا، از تحلیل عاملی تأییدی و الگوسازی معادلهٔ ساختاری برای ارزیابی الگوی پژوهش استفاده شد.

جدول ۲. وضعیت ابعاد و معیارهای نهایی‌شدهٔ مؤلفه‌های مکانی تولید فضای معنویت‌مبنا منتج از روش نظریهٔ زمینه‌ای

مفاهیم سطح سوم (مقوله‌های اصلی) Concept level 3/ Main category	مفاهیم سطح دوم (مقوله‌ها) Concept level 2/ Category
چیدمان فضا	- مکاشفه - القائنات فضا و مکان‌های تبادل - توانایی و محوربندی فضاهای حرکتی - مفاهیم ورود و آستانه - تعیین فضایی - ارزش‌های هندسی و تناسبات
نقش‌انگیزی	- هویت - ساختار - معنی
نمادگرایی	- نمادهای مادی - نمادهای استدلالی - نمادهای تصویری - نمادهای رفتاری
امنیت	- امنیت فیزیکی حرکت (ایمنی) - امنیت روانی
عدالت	- عدالت فضایی زمین (توزیعی) - عدالت ساختاری
ساختار مدیریتی فضا	- پراکنش تمرکز و توسعهٔ متوازن - متوازن‌سازی قدرت کنشگران فضا
پایداری	- پیوست انطباق زیست‌محیطی - پایداری فضایی
معاصر سازی دانش نظری / اقدام عملی	- طرح مسئله و تلقی درست از توسعهٔ معنویت‌مبنا - آوردهٔ اندک تولید فضای معنویت‌مبنا در تقابل با کالایی‌سازی فضا برای گروه‌های قدرت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

• تحلیل و بررسی روابط بین متغیرها (یافته‌های استنباطی)

قبل از بررسی سؤال و استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری لازم است برازش مدل بررسی شود. برازش مدل در سه بخش انجام می‌شود: الف. برازش مدل اندازه‌گیری؛ ب. برازش



مدل ساختاری؛ پ. برازش مدل کلی.

الف. برازش مدل اندازه‌گیری: مدل اندازه‌گیری مربوط به بخشی از مدل کلی می‌شود که دربرگیرنده یک متغیر به همراه سؤالات مربوط به آن است. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری از معیار پایایی، روایی هم‌گرا و روایی واگرا استفاده می‌شود.

پایایی و روایی هم‌گرا: پایایی شاخص با سه معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد: ۱. ضرایب بار عاملی؛ ۲. آلفای کرونباخ؛ ۳. پایایی ترکیبی (CR).

ضرایب بار عاملی: بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار هم‌بستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از ۰/۴ شود، مؤید آن است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است؛ بنابراین مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۴ است. چنانچه پس از اجرای مدل، بار عاملی سؤال کمتر از ۰/۴ شد، آن سؤال حذف می‌شود تا بررسی سایر معیارها تحت‌تأثیر آن قرار نگیرد. مطابق شکل ۳، تمامی بار عاملی سؤالات بیشتر از ۰/۴ است؛ از این رو حذف هیچ‌یک لازم نیست و می‌توان نتیجه گرفت که مدل پایایی مناسبی دارد.

آلفای کرونباخ، روایی هم‌گرا و پایایی مرکب (ترکیبی): پایایی ترکیبی میزان هم‌بستگی سؤالات یک بعد به یکدیگر برای برازش کافی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند (Fornell, C., & Larcker, D. F. 1981). هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند، هم‌بستگی بین این اندازه‌گیری‌ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌کند. اگر هم‌بستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسش‌نامه دارای اعتبار هم‌گراست. وجود این هم‌بستگی برای اطمینان از اینکه آزمون آنچه را باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی هم‌گرا میانگین واریانس استخراج (AVE)^۱ و پایایی مرکب (CR)^۲ محاسبه می‌شود. باید روابط زیر برقرار باشد:

$$CR > 0.7$$

$$AVE > 0.5$$

1. Average Variance Extracted
2. Composite Reliability

جدول ۳. نتایج روایی هم‌گرا، پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

متغیرهای پژوهش	میانگین واریانس (AVE)	پایایی ترکیبی (C.R)	آلفای کرونباخ
ادراک معنویت	۰/۵۴۰	۰/۸۷۵	۰/۸۲۹
چیدمان فضا	۰/۶۱۹	۰/۸۸۷	۰/۸۳۲
نقش‌انگیزی	۰/۶۸۸	۰/۹۱۶	۰/۸۸۳
نمادگرایی	۰/۵۶۷	۰/۸۷۳	۰/۸۰۹
امنیت	۰/۸۹۲	۰/۹۸۰	۰/۸۴۳
ساختار مدیریتی	۰/۷۸۱	۰/۷۳۲	۰/۷۹۸
بازدارندگی اقدام	۰/۵۶۷	۰/۸۴۴	۰/۹۴۳
پایداری	۰/۶۳۲	۰/۹۰۹	۰/۷۰۴
عدالت	۰/۶۴۴	۰/۷۳۳	۰/۷۶۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

روایی واگرا: برای بررسی روایی واگرا از مقایسه میزان هم‌بستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل هم‌بستگی آن سازه با سایر سازه‌ها با استفاده از روش فورنل ولاکر بهره گرفته شد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب هم‌بستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. همان‌گونه که در جدول ۴، برگرفته از روش فورنل ولاکر مشخص است، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر، از مقدار هم‌بستگی میان آن‌ها، بیشتر است (Fornell, C., & Larcker, D. F. 1981). از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

جدول ۴. نتایج روایی واگرا

عدالت	پایداری	بازدارندگی اقدام	ساختار مدیریتی	امنیت	نمادگرایی	نقش‌انگیزی	چیدمان فضا	ادراک معنویت	
								۰/۷۳۴	ادراک معنویت
							۰/۷۸۶	۰/۶۸۴	چیدمان فضا
						۰/۸۲۹	۰/۶۷۵	۰/۵۸۹	نقش‌انگیزی
					۰/۷۵۲	۰/۷۶۷	۰/۴۵۶	۰/۶۵۴	نمادگرایی
				۰/۹۴۴	۰/۵۶۷	۰/۵۱۲	۰/۱۹۸	۰/۲۳۱	امنیت
			۰/۸۸۳	۰/۵۶۷	۰/۱۰۹	۰/۵۹۰	۰/۴۳۳	۰/۴۵۱	ساختار مدیریتی
		۰/۷۵۲	۰/۴۵۶	۰/۱۸۸	۰/۱۸۸	۰/۶۰۹	۰/۵۵۰	۰/۵۶۷	بازدارندگی اقدام
	۰/۷۹۴	۰/۳۴۱	۰/۳۴۵	۰/۱۲۳	۰/۴۹۰	۰/۵۵۶	۰/۴۳۲	۰/۳۴۲	پایداری
۰/۸۰۲	۰/۴۱۱	۰/۱۹۰	۰/۶۷۰	۰/۳۴۱	۰/۶۷۸	۰/۷۹۰	۰/۷۰۸	۰/۶۷۸	عدالت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

ب. برازش مدل ساختاری: مطابق با الگوریتم داده‌ها در pls، بعد از برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری می‌رسد. مدل ساختاری، برخلاف مدل اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و فقط متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود. معیار R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا می‌گذارد. هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل معرفی کرده است. مطابق با جدول زیر، مقدار R^2 با توجه به سه مقدار ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید کرد.



جدول ۵. مقادیر ضریب تعیین

مقادیر R^2	متغیرهای پژوهش
۰/۶۷۹	ادراک معنویت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

شاخص افزونگی (CV red) یا آزمون ارتباط پیش‌بین یا Q^2 : دومین شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص Q^2 است. این معیار که توسط استون گیسر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. به اعتقاد او، مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند؛ به این معنا که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر می‌گذارند و از این راه فرضیات به‌درستی تأیید می‌شوند. سه مقدار ۰/۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به‌عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین کرده‌اند (Hensler, et all, 2009).

مقادیر مربوط به شاخص Q^2 متغیرها در جدول ۶ نشان داده شده است. با عنایت به مقدار منعکس‌شده دارای قدرت پیش‌بینی قوی است و می‌توان گفت نتایج نشان‌دهنده برازش قوی مدل ساختاری پژوهش است.

جدول ۶. مقادیر Q^2

مقادیر Q^2	متغیرهای پژوهش
۰/۷۳۲	ادراک معنویت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

پ. برازش مدل کلی: برای بررسی برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، فقط از یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود. این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$GoF = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

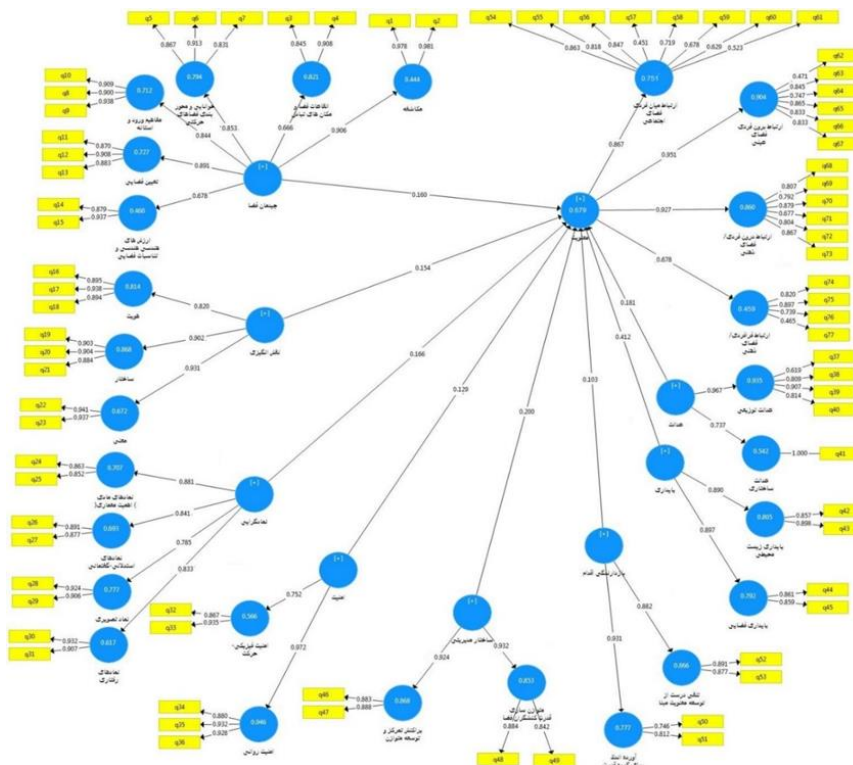
$$GoF = \sqrt{0/679 \times 0/732} = 0/705$$

Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر سازه‌های درون‌زای مدل است. وتلز و همکاران، سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی کرده‌اند. با توجه به مقدار محاسبه‌شده برابر با ۰/۷۰۵ است و نشان‌دهنده برآزش قوی مدل کلی پژوهش است.

تأثیر مؤلفه‌های مکانی بر تولید فضای معنویت‌مبنا

پس از بررسی برآزش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، نوبت به بررسی مدل تحقیق می‌رسد. مدل اجراشده در محیط نرم‌افزار pls برای بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر فضای معنویت‌مبنا به شرح شکل‌های زیر ارائه شده است. مقدار آماره T به‌دست‌آمده برای کلیه مؤلفه‌های شناسایی‌شده بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است و تأثیر مؤلفه‌های شناسایی‌شده بر ادراک معنویت تأیید می‌شود. با توجه به شکل ۴ و همچنین با عنایت به مقدار ضریب مسیر به‌دست‌آمده برای مؤلفه‌های مورد نظر، مؤلفه پایداری با مقدار ضریب مسیر ۰/۴۱۲ در رتبه اول، مؤلفه ساختار مدیریتی با ضریب مسیر ۰/۲۰۰ در رتبه دوم، مؤلفه عدالت با امتیاز نهایی ۰/۱۸۱ در رتبه سوم، مؤلفه نمادگرایی با ضریب مسیر ۰/۱۶۶ در رتبه چهارم، مؤلفه چیدمان فضا با مقدار ضریب مسیر ۰/۱۶۰ در رتبه پنجم، مؤلفه نقش‌انگیزی با ضریب مسیر ۰/۱۵۴ در رتبه ششم، مؤلفه امنیت با ضریب مسیر ۰/۱۲۹ در رتبه هفتم و مؤلفه معاصرسازی دانش نظری/اقدام عملی با ضریب مسیر ۰/۱۰۳ در رتبه هشتم جای گرفته است.

در مورد شاخص‌های هریک از مؤلفه‌ها، نتایج منتج در شکل ۵ حاکی از آن است که درباره مؤلفه چیدمان فضا، شاخص مکاشفه به ضریب مسیر ۰/۹۰۶ در رتبه اول، شاخص تعیین فضایی با ضریب مسیر ۰/۸۹۱ در رتبه دوم، شاخص خوانایی و محوربندی فضاهای حرکتی با ضریب مسیر ۰/۸۵۳ در رتبه سوم، شاخص مفاهیم ورود و آستانه با ضریب مسیر ۰/۸۴۴ در رتبه چهارم، شاخص ارزش‌های هندسی و تناسبات فضایی با ضریب مسیر ۰/۶۷۸ در رتبه پنجم و شاخص القاعات فضا و مکان‌های تبادل با ضریب مسیر ۰/۶۶۶ در رتبه ششم جای گرفته است. در مورد شاخص‌های مربوط به مؤلفه نقش‌انگیزی، شاخص معنی با ضریب مسیر ۰/۹۳۱ در رتبه اول، شاخص ساختار با ضریب مسیر ۰/۹۰۲ در رتبه دوم و شاخص هویت با ضریب مسیر ۰/۸۲۰ در رتبه سوم قرار گرفته است.



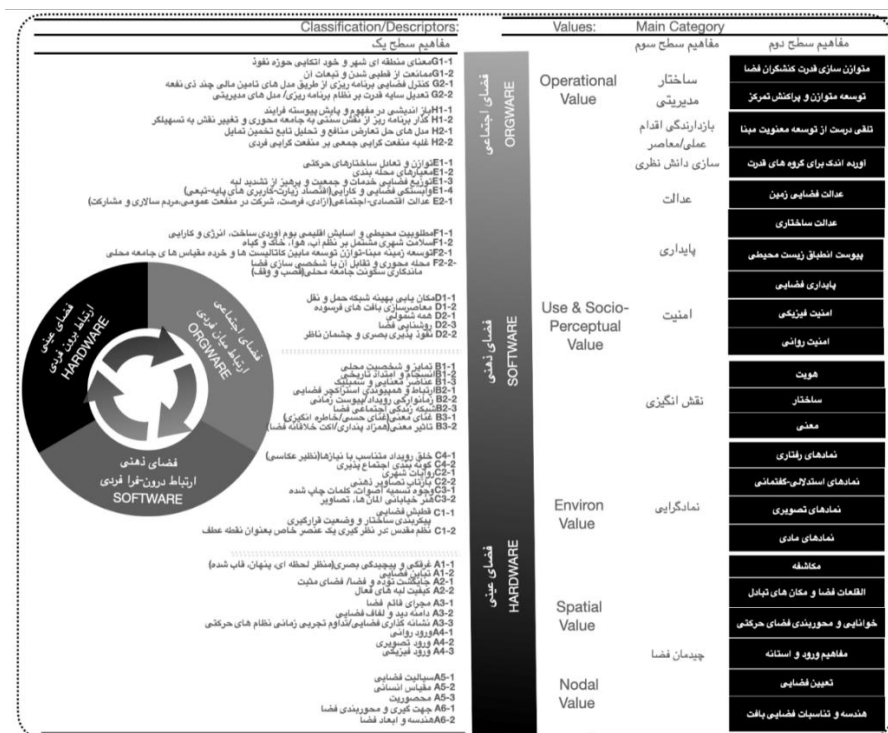
شکل ۴. مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۵- نتیجه‌گیری

از مقایسه تطبیقی میان نتایج پژوهش حاضر با سایر مطالعات در وجه هم‌گرایی، به تغییر نگاه برنامه‌ریزی شهری در فرایند تولید فضا می‌توان اشاره کرد. رویکردهای انتقادی صاحب‌نظران حوزه تولید فضا، نظیر شلدراک، لوفر، هاروی، مارکوزه و برنر، و از دیگر سو، پژوهش‌های داخلی نادر اردلان، حسین نصر، شفیعا و... گواهی بر این تغییر نظری و عملی است. نکته حائز اهمیت حاصل از مقایسه واگرایی سایر مطالعات با این پژوهش، این است که اکثریت پژوهش‌های ایرانی با اندیشه اسلامی در دسته موردپژوهی و نگاه محصول‌محور قرار می‌گیرند و با توجه به استحاله شهرسازی ایران به تبع نفوذ جریان مدرن، تنزل نگاه محتوایی و نبود شاخص‌سازی و اولویت‌بندی میزان تأثیر هریک از شاخص‌ها بر تولید فضای معنویت‌مبنای از وجوه تمایز این پژوهش با دیگر مطالعاتی است. که صرف برداشت‌های کالبدی در جبهه نما و شاخص‌سازی‌های

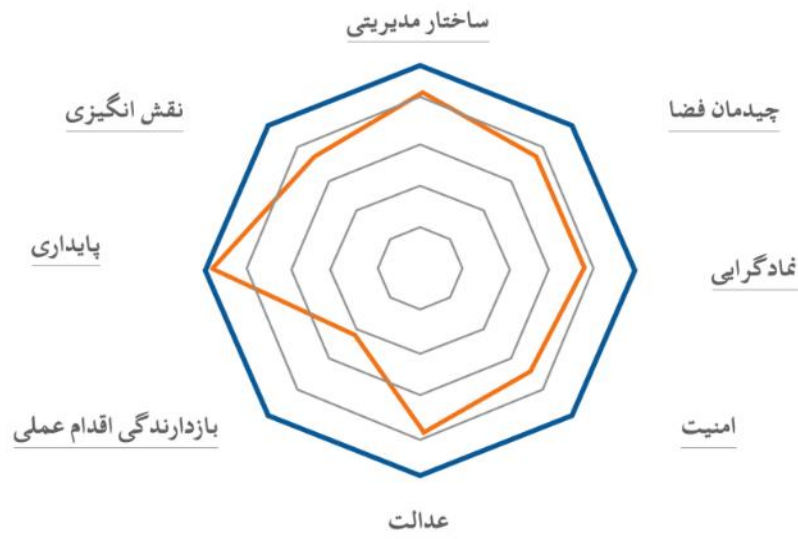
آن را در قالب خوانش مؤلفه‌های فضای قدسی بررسی کرده‌اند، حال آنکه این پژوهش با رویکردی فرایندمحور مبتنی بر زمینه، برخلاف پژوهش‌های مسبق که بیشتر با تمرکز بر مؤلفه‌های عینی، معنویت بصری را مورد بررسی قرار داده‌اند، توسعه معنویت‌مبنا را مبتنی بر سه‌گانه فضای عینی، ذهنی و اجتماعی و شاخص‌های متناظر هریک و اولویت‌بندی میزان تأثیر آن‌ها بررسی کرده است که این امر گام مهمی در ارتقای تحقیقات نظری حوزه تولید فضا در شهرسازی به مرحله‌ای بالاتر است. در این پژوهش، مدل نظری تولید فضای معنویت‌مبنا با استدلال از جمع‌بندی روش‌شناسی بخش کیفی تدوین شد و سپس مدل نظری با روش پیمایشی و استفاده از تکنیک معادلات ساختاری در فضای منطقه ثامن شهر مشهد به آزمایش گذاشته شد و جایگاه هریک از متغیرها و عوامل انگیزش و ادراک معنویت تبیین گردید. مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضا در قالب ۸ بعد اصلی و ۲۳ شاخص طبقه‌بندی شد (شکل ۵)



شکل ۵. مدل نهایی مؤلفه‌های مکانی تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس برنامه‌ریزی شهری پژوهش
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



پس از آن میزان تأثیر و اولویت‌بندی این شاخص‌ها مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری در شکل ۶ نشان می‌دهد اولویت اثرگذاری در تولید فضای معنویت‌مبنا به‌ترتیب مربوط به مؤلفه پایداری، مؤلفه ساختار مدیریتی، مؤلفه عدالت، نمادگرایی، چیدمان فضا، نقش‌انگیزی، امنیت و مؤلفه بازدارندگی اقدام عملی/ معاصرسازی دانش نظری است. در بررسی عوامل تشکیل‌دهنده هریک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت در اولین متغیر انگیزنده ادراک معنویت فضا — چیدمان فضا — سه اولویت اول به‌ترتیب مربوط به عوامل، شاخص مکاشفه، تعیین فضایی، خوانایی و محوربندی فضای حرکتی است که نیاز به تدوین چهارچوبی استراتژیک برای تعادل‌بخشی به این شاخص‌ها را در منطقه ثامن پررنگ‌تر می‌کند. مفاهیم ورود و آستانه، ارزش‌های هندسی و تناسبات فضایی بافت و نهایتاً القاعات فضا و مکان‌های تبادل در رده‌های بعدی برای خوانش و کاربست در نوع سیاست‌گذاری و نحوه مداخلات توسعه‌حائز اهمیت‌اند. در متغیر نقش‌انگیزی که در عوامل تشکیل‌دهنده آن هویت، ساختار و معنی مورد سنجش بوده است، مخاطبان فضا متغیر معنی و عوامل زیرمجموعه آن شامل غنای معنی و تأثیر آن را در رتبه اول اهمیت و قبل از ساختار و هویت فضا، با وجود اجماع نظر اکثر محققان در اهمیت این متغیر، جایگاه آن را در رتبه سوم در تأثیر بر انگیزش معنویت در تولید فضا در نظر دارند. مؤلفه ساختار مهم‌ترین عامل ارتباط و هم‌پیوندی ساختار فضا است که نیاز به افزایش اینتگریشن بین بافت شهری و مجموعه فضای قدسی منطقه ثامن خاطر نشان می‌شود، این درحالی است که اکثریت قریب به اتفاق مداخلات صورت‌گرفته در بافت منطقه، در جهت گسست و انفصال هم‌پیوندی بافت عمل کرده است و ضرورت تغییر قابل ملاحظه در مدل‌های تولید فضا مبتنی بر انسجام و تقابل آن با شخصی‌سازی فضا را نشان می‌دهد.

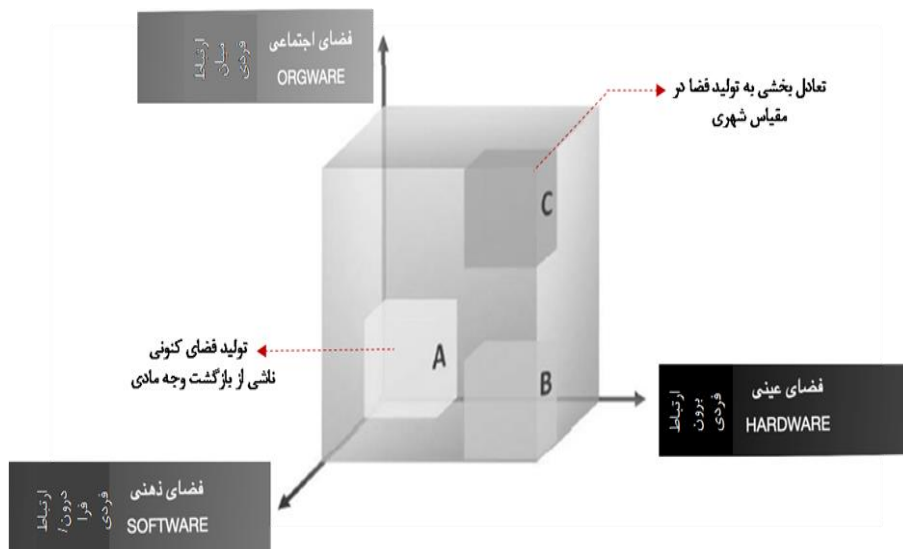


شکل ۶. اولویت اثرگذاری مؤلفه‌های مکانی در تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس برنامه‌ریزی شهری
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در خصوص تجربه مخاطبان نسبت به ادراک معنویت در فضای منطقه ثامن شهر مشهد ساختار مدیریتی فضا است. این مفهوم بیانگر ویژگی‌ها و عواملی است که تحت تأثیر شرایط بیرونی به موانع ذهنی برای مردم در ادراک غنی از تجربه معنویت فضا تبدیل شده است. عوامل گوناگونی در سطوح مختلف از سوی مشارکت‌کنندگان پژوهش مطرح شده است. از جمله متوازن‌سازی قدرت کنشگران فضا از طریق مدل‌های تأمین مالی چندزی‌نفعه^۱ و مشارکتی، بجای جذب سرمایه ناپایدار (که اغلب مبتنی بر امضای تغییر کاربری اراضی و افزایش تراکم‌های غیرمجاز شهری)، صورت می‌گرفته است، اقدام کنند. در واقع، مدل‌های تأمین مالی چندزی‌نفعه جایگزین مطلوبی برای مدل مدیریت سنتی است و از طریق تغییر سلطه منفعت فردی بر جمعی بومی شرایط پایداری ایجاد خواهد کرد. همچنین در ادراک مردم از فضای معنویت‌مبنا، این بحث صرفاً به ملاحظات کالبدی خردمقیاس داخل حوزه مداخله مستقیم تقلیل نمی‌یابد، بلکه در نظرات تعدادی از مشارکت‌کنندگان بحث معنویت

1. Crowdfunding

فراتر از مقیاس خرد و در ارتباط با تأثیری که نحوه توسعه بر زیست انسانی شهر دارد، تعریف می‌شود. فضای معنویت‌مبنا در دیدگاه این دسته از مشارکت‌کنندگان از طریق پراکنش تمرکز در مدل‌های توسعه و پیشگیری از قطبی شدن شهر بازتعریف و ادراک شد. به هم خوردن سنگین توازن‌های منطقه‌ای و سیل مهاجرت‌های یک‌سویه از سمت قطب‌های منفی دورافتاده از توسعه، در جست‌وجوی کار، به سمت قطب جاذب کلان‌شهری چون مشهد و ناتوانی در تملک زمین شهری در داخل شهر، موج سنگینی از حاشیه‌نشینی را در اطراف این شهر تولید کرده، به‌طوری که از هر سه نفر یک نفر حاشیه‌نشین است و پیامدهای منفی این تمرکز متمرکز و قطبیت ساختار فضا در مقیاس منطقه‌ای، از جمله افزایش بزه شهری، وندالیسم شهری، کاهش سطح امنیت بیماری‌های فراگیر اجتماعی و... و کشیده شدن دامنه این ناهنجاری‌ها به داخل بافت شهری، به‌ویژه منطقه ثامن، دلیلی عمده بر اهمیت پراکنش تمرکز و توسعه متوازن در راستای ارتقای ارزش‌های انسانی و حرکت به سمت تولید فضای معنویت‌مبناست. مفهوم مهم دیگر در تجربه و ادراک مردم از معنویت فضای منطقه ثامن بحث پایداری ساختار فضاست. پیوست انطباق زیست‌محیطی مداخلات توسعه در این منطقه، ارتباطی نزدیک با بحث سلامت شهری و مطلوبیت محیطی دارد.



شکل ۷. تغییر وضعیت برنامه‌ریزی شهری در راستای تعادل بخشی به چرخه تولید فضای شهری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

دست‌آورد این پژوهش جای‌گذاری مفهومی تعادل‌بخش به چرخه تولید فضا است که با ساختارسازی و تعیین میزان تأثیر مؤلفه‌های مکانی در تولید فضای معنویت‌مبنا، ابهامات و کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه در شهرهای با پشتوانه هویتی معنوی، را کاهش خواهد داد. توسعه معنویت‌مبنا مفهومی فراتر از تلقی مسلط در برنامه‌ریزی فعلی (که آن را در حد مداخلات کالبدی صرف در جبهه نما و در مقیاس خرد طراحی شهری می‌سنجد) است. این مفهوم برساختی سه‌سطحی از مفاهیمی است که توأمان با نگاهی فرایندمحور (معنویت ساختاری) سعی در تعادل‌بخشی به جریان تولید فضا دارد تا با ارائه راهبردها و تأملاتی چون اصلاح در ساختار مدیریتی فضا و معاصرسازی دانش نظری، به‌عنوان کاتالیزوری اصلاحگر چرخه فعلی باشد. دست‌آورد این پژوهش بیشتر مؤید جایگزینی نگاه نقطه‌ای و محصول‌محور با رویکردی مبتنی بر فرایند و اقدام در توسعه شهری مبتنی بر معنویت است که قابلیت کاربرد در مطالعات توسعه‌ای را دارد. در واقع، اصلاح چرخه تولید فضا و برنامه‌ریزی شهری معاصر در گرو فهم فرایندهای اجتماعی ذهنی در تعامل با مؤلفه‌های عینی است و در صورت تغییر وضعیت برنامه‌ریزی از نوع A به C، شاهد تعادل‌بخشی به چرخه تولید فضا و پیامدهای مثبت آن خواهیم بود.

منابع

- احمدخانی ملکی، بهرام، حق پرست، فرزین. (۱۳۹۵). سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شبستانی قاجاریه بازار شهر تبریز، نشریه مدیریت شهری، دوره ۴۴، شماره ۱۵، صص. ۹۱-۱۰۶.
<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/106543>
- امیرفخریان، مصطفی، بازرگان، مهدی. (۱۳۹۸). تقابل دوگانگی ارتقاء/تنزل هویت در مجموعه های با ارزش شهری در چارچوب رویکرد آمایش، نمونه میدان شهدا مشهد. برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۲۳، شماره ۳، صص. ۹۸-۶۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=527602>
- ایمانی خوش‌خو، محمد حسین. شهرابی فراهانی، مهدیه. (۱۳۹۷). ارائه چارچوب مفهومی ادراک گردشگران فرهنگی از سفر با تأکید بر معنویت (مطالعه موردی: اصفهان). نشریه باغ نظر، دوره ۱۵، شماره ۶۸، صص. ۴۹-۵۸. Doi/ 10.22034/bagh.2019.81657

- بمانیان، محمدرضا، پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال، صادقی، علی. (۱۳۸۹). عنوان فارسی: بازخوانی هویت معنوی و انگاره های قدسی در معماری مساجد شیعی. شیعه شناسی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۳۷-۷۰.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=112096>
- جودی، سمیرا، منصورفر، غلامرضا. (۱۳۹۹). نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی‌دهندگی و فریبندگی مدیریت سود. پژوهش های حسابداری مالی 12(1), 19-38, 118604.1499, doi: 10.22108/far.2020.118604.1499.
- عابدی‌جعفری، رستگار، & عباسعلی. (۲۰۰۷). ظهور معنویت در سازمانها مفاهیم، تعاریف، پیش‌فرض‌ها، مدل مفهومی. علوم مدیریت ایران، ۵(۲)، ۹۹-۱۲۱.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=75794>
- حاجی زاده، مریم، احدنژاد، محسن. (۱۴۰۰). تولید فضای گفتمان مطلقه ی پهلوی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا. دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۱۷۳-۱۴۷.
- داداش پور، هاشم، الوندی پور، نینا. (۱۳۹۵). عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۶۷-۸۰. Doi/10.22059/jfaup.2016.61103.
- شاهرودی، ع.، و حسینی، س.، و مومنی، ز. (۱۳۹۳). بررسی میزان انطباق معماری مساجد با نیازهای زنان (مطالعه موردی: مساجد شهرستان ساری). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. - (۱۸)، ۳۹-۵۳.
- شفیعا، سعید، صباغ پور آذریان، مهدیه. (۱۳۹۵). تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا. مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۱، شماره ۳۵، صص ۱۰۷-10.22054/tms.2017.7082
- شفیعا، سعید، درودیان، محمد جواد. (۱۳۹۶)، مفهوم سازی درک معنویت در رویداد پیاده روی اربعین حسینی: بر اساس تجربه میدانی، اولین همایش بین المللی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، همدان، دبیرخانه همایش Doi/10.22034/bagh.2019.81656
- صحاف، سید محمدخسرو. (۱۳۹۵). معنا در معماری ایرانی. هویت شهر، دوره ۱۰، شماره ۲۵، صص ۵۱-۶۰. Dor/20.1001.1.17359562.1395.10.1.5.0.

- مهدی نژاد، جمال الدین، و عظمتی، حمیدرضا، و صادقی حبیب آباد، علی. (۱۳۹۷). بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء «حس معنویت» در معماری مساجد. معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۶، شماره ۱، صص ۶۱-۷۸. Dor/20.1001.1.25886274.1397.6.1.4.5
۱. مولائی اصغر، بهزادفر مصطفی (۱۳۹۸). تبیین ابعاد وظرفیتهای رقابت پذیری هویتی شهری بارویکرد زمینه گرا در شهرهای ایران. برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۲۳، شماره ۲، صص. ۹۷-۱۲۱. Dor /20.1001.1.16059689.1398.23.2.4.7
- Ahmadvanimaleki, B, Haghparsat, F (2016). Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place; A case study: SHABESTANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar, Urban Management, 15(44), 91-106. magiran.com/p1589374 (In Persian).
- Bazargan M, amirfakhriyan M. (2019)Confronting the promotion / degradation of identity in urban Valuable collections in the framework of the Territorial Spatial Arrangement approach case study Shohad Square in Mashhad city. MJSP; 23 (3) :65-98 Dor/20.1001.1.16059689.1398.23.3.4.9 (In Persian).
- Imani Khoshkhoo, M., Shahrabi farahani, M. (2019). A Conceptual Framework for Cultural Tourists' Perception of Travel with Focus on Spirituality "Case Study : Isfahan". The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 15(68), 49-58. Doi: 10.22034/bagh.2019.81657(In Persian).
- Bemanian, M., & Pourjafar, M., & Ahmadi, F., & Sadeghi, A. (2010). A Review OF Spiritual Identity And Sacred Suppositions In The Architecture Of Shi'i Mosques. Shite Studies, 8 (30), 37-70. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=181740>(In Persian).
- Abedi Jafari, Rastegar, & Abbas Ali. (2007). Emergence of spirituality in organizations Concepts, definitions, assumptions, conceptual model. Iranian Management Sciences, 5 (2), 99-121. (In Persian).
- Hajizade m,ahadnejad M. Space production of Pahlavi absolute discourse. MJSP. 2021; 25 (3) :147-17 [In persian] <http://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-54004-fa.html>(In Persian).



- Dadashpoor, H. (2016). Spatial Justice in Urban Scale in Iran; Meta- Study of Selected Articles' Theoretical Framework. Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va ShahrSazi, 21(3), 67-80. Doi: 10.22059/jfaup.2016.61103 (In Persian).
- Shahroudi, a., & hosseini, s., & momeni, z. (2015). A study of the adaptability rate of mosques architecture with the women's needs, a case study: mosques of sari city. Journal of studies on iranian islamic city, -(18), 39-53. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=486146>, (In Persian).
- Shafia, S., & Sabaghpour Azarian, M. (2016). An Investigation On The Concept OF Spirituality In Tourism: Content Analysis Abstract. Tourism Managment Studies, 11(35), 107-127/ doi: 10.22054/ tms.2017.7082 (In Persian).
- Shafia,s,Dorodian,mj(2017), Conceptualizing the understanding of spirituality in the Arbaeen Hosseini Walking Event: Based on field experience DOI: 10.22034/bagh.2019.81656(In Persian).
- Sahhaf, S. (2016). Meaning In Iranian Architecture. Hoviateshahr, 10(25), 51-60. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=514713> Dor/20.1001.1.17359562.1395.10.1.5.0 (In Persian).
- Sadeghi Habib Abad, A., & Mahdi Nejad, J., & Azemati, H. (2018). Review and Assessment of Influential Components on Creating and Promoting the "Sense of Spirituality" in the Architecture of the Mosques. Journal Of Sustainable Architecture And Urban Design, 6(1), 61-78. Dor/20.1001.1.25886274.1397.6.1.4.5 (In Persian).
- Molaei A, Behzadfar M. Definition Urban Identical Competitiveness Dimensions and opportunity with contextual approach in Iranian cities. MJSP. 2019; 23 (2) :97-121/ dor/20.1001.1.16059689.1398.23.2.4.7 (In Persian).
- Ardalan, N. & Barrie, T. (2016a) Arguments for a Spiritual Urbanism. Architecture, culture and spirituality. Urbanism, spirituality and well being symposium.
- https://www.academia.edu/28898870/Arguments_for_a_Spiritual_Urbanism
- Ardalan, N. & Barrie, T. (2016b). Theme Issue Introduction. Architecture, culture and spirituality. Urbanism, spirituality and well being symposium.

- https://www.academia.edu/6460698/architecture_culture_and_spirituality
- Bartolini, N., MacKian, S., & Pile, S. (Eds.). (2018). Spaces of Spirituality (1st ed.). Routledge. DOI: <https://doi.org/10.4324/9781315398426>
- Beaumont, J., & Baker, C. (Eds.). (2011). Postsecular Cities: Space, Theory and Practice. London & N.Y.: Continuum. DOI: <http://dx.doi.org/10.5040/9781472549198>
- Bermudez, J. (2016). Arguments for a Spiritual Urbanism IN_BO., 7(9), 104-115. DOI: <https://doi.org/10.6092/issn.2036-1602/6295>
- Birch, R.A., & Sinclair, B.R. (2013). Spirituality in Place: Building Connections Between Architecture, Design, and Spiritual Experience. DOI:10.17831/REP:ARCC%Y116
- Brand, R., & Gaffikin, F. (2007). Collaborative planning in an uncollaborative world. Planning theory, 6(3), 282-313. DOI:10.1177/1473095207082036
- Carmona ,M (2015) Re-theorising contemporary public space: a new narrative and a new normative, Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability, 8:4, 373-405, DOI: 10.1080/17549175.2014.909518
- Cirstea, A. (2015) Mapping British Women Writers' Urban Imaginaries'' Space, Self and Spirituality''.Coventry University, UK. DOI :<https://doi.org/10.1093/cww/vpw026>
- Davoudi , S (2015) panning as practice of knowing . planning theory & practice. DOI :[doi/abs/10.1177/1473095215575919](https://doi.org/10.1177/1473095215575919)
- Ersahin, Zehra & Boz, Nevfel. (2018). Urban Spirituality: Need for Connectedness and Communication. 9. 762-781. DOI:10.31198/idealkent.487461.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservables variables and measurement error. Journal of HighTechnology Management Research,11(1),137-153.
- Hegner, V., & Margry, P.J. (Eds.). (2016). Spiritualizing the City: Agency and Resilience of the Urban and Urbanesque Habitat (1st ed.). Routledge. DOI:<https://doi.org/10.4324/9781315680279>



- Heidari, Ali akbar and Tojar Ghalavand, Samira, 2014, Making the Public Spaces with Spiritual Strategy in Bushehr, Social and Behavioral Sciences, Volum 159, December 2014, Pages 722-731. DOI :doi/ 10.1016/j.sbspro.2014.12.461(In Persian).
- Hensler, J., Ringle, C & Sinkovics, R. (2009). The use of partial least square based multi group analysis: in advance in international marketing 20. Nunnally, J & Bernstein, I. (1994). Psychometric theory. New York: McGraw Hill. [http://dx.doi.org/10.1108/S1474-7979\(2009\)0000020014](http://dx.doi.org/10.1108/S1474-7979(2009)0000020014)
- Liepaja municipality administration. (2019). About city territorial planning documents DOI.org/10.22616/ESRD.2021.55.014
- Northcott, M. (2015). Philip Sheldrake, The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban. *Theology*, 118(5), 385–386. DOI:<https://doi.org/10.1177/0040571X15588878v>
- Sandercock, Leonie (2006) Spirituality and the urban professions : The paradox at the heart of planning . planning theory & practice. DOI: doi/abs/10.1080/14649350500497471
- Sheldrake, Philip. (2006) Spirituality and the Urban. *Cities An Human Community*, 107-118. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0040571X15588878v>
- Tabb, P.J.. (2016). Serene urbanism: A biophilic theory and practice of sustainable placemaking. DOI :10.4324/9781315608433.
- Tabb, P. J., Barrie, T., & Bermudez, J. (Eds.). (2015). Architecture, culture, and spirituality. Ashgate Publishing, Ltd. <https://doi.org/10.4324/9781315567778>
- UN-Habitat. (2018). LEADING CHANGES Delivering the New Urban Agenda through Urban and Territorial Planning. Kuala Lumpur: United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat).
- <https://unhabitat.org/leading-change-delivering-the-new-urban-agenda-through-urban-and-territorial-planning>
- United Nations Human Settlements Programme. (2015). International Guidelines on Urban and Territorial Planning. Nairobi: UN-Habitat
- <https://unhabitat.org/international-guidelines-on-urban-and-territorial-planning>

- Walker, Stuart (2019) *Spirituality and Design: creating a meaningful material culture through progressive design praxis*. In: The Routledge International Handbook of Spirituality and Society. Routledge, London. ISBN 9781138214675
DOI: <https://doi.org/10.4324/9781315445489-40>